

مثنوی جام جم

اثری از

اوحدی مراغه‌ای

شاعر و عارف قرن هشتم هجری قمری

تهران، نشر آماره، ۱۳۹۰ ش.



نشر آماره Amareh Press

سرشناسه : اوجدی، رکن الدین، ۷۳۸-۶۷۰ ق
عنوان و نام پدیدآور : مثنوی جام جم / اثری از اوجدی مراغهای.
شخصات نشر : تهران: آماره، ۱۳۹۰.
شخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.
شابک : 978-600-92537-7-7
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : شعر فارسی — قرن ۸ ق.
رده بندی کنگره : PIR۵۳۸۰ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی : ۸۱۳/۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۵۳۰۷۱



نشر آماره Amareh Press

Title: Masnavi-e Jam-e-Jam عنوان کتاب: مثنوی جام جم
Author: Ohady-e-Maragehee شاعر: اوحادی مراغه‌ای
ISBN: 978-600-92537-7-7 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۳۷-۷-۷
The first edition published: 2010 نویت چاپ: اول، ۱۳۹۰
Tirage: 1000 impression تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher
هرگونه کپی برداری، اسکن، میکروفیلم و... جزو یا کلاً بدون اجازه مکتوب نشر آماره ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد
© All rights reserved for the amareh press تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است
Printed in Iran چاپ ایران
<http://nashreamareh.blogfa.com>
nashreamareh@yahoo.com
تلفن پخش: تهران، ۰۰۹۶۹۶۹۶۹۶۶

سخن ناشر

اوحالدین اوحدی مراغه‌ای، فرزند حسین اصفهانی، از سخنوران و عارفان سده ۸ ق. تولد او را برپایه یکی از ابیات مثنوی جام جم، حدود سال ۷۲۳ ق و وفات او را ۱۵ رمضان ۷۳۸ تخمین زده‌اند (نفیسی، ۴۹). درباره اصل و زادگاه اوحدی، دو نظر متفاوت ابراز شده است: بسیاری اصل او را از مراغه دانسته‌اند و گفته‌اند که بیشتر عمر خود را در اصفهان گذرانده است (اوحدی بلیانی، ۹۸؛ انصاری، ۸)؛ اما نفیسی (ص ۵۰) با عنایت به برخی از سروده‌های اوحدی، زادگاهش را اصفهان دانسته که بعدها مقیم مراغه شده است. او مدتها در آذربایجان به غربت می‌زیست (نک: اوحدی مراغه‌ای، ۴۹۹) تا سرانجام پیش از ۷۰۶ ق/۱۳۰۶ م، مقیم مراغه پایتخت ایلخانان (که در آن زمان از مراکز مهم علم، فرهنگ و هنر آذربایجان بود) شد (نفیسی، ۵۶) و از آنجا در زمان ابوسعیدخان به تبریز رفت و سلطان و وزیرش غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌الله او را اکرام کردند (اوحدی بلیانی، همانجا). اوحدی حداقل در سالهای ۷۲۳-۷۲۲ ق/۱۳۲۲-۱۳۲۳ م، در این شهر اقامت داشت (نفیسی، ۵۸)، ولی در پایان عمر به مراغه بازگشت و در همین شهر درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد (خواندمیر، ۲۲۱/۳). مقبره وی اکنون در مراغه باقی است (مروارید، ۴۲۰).

شوشتری، ۲/۱۲۳)؛ در حالی که دولتشاه وفات او را در ۶۹۷ق/۱۲۹۸م و در اصفهان دانسته، و افزوده است که مزار وی نزد مردم این شهر محترم است (ص ۱۵۹). اوحدی را با صفاتی چون عارف و موحد، ستوده‌اند (همو، ۱۵۷).

اوحدی دوران کودکی و جوانی خود را در شهر مراغه بسر برده و تحصیلات مقدماتی خویش را نیز همان جا فرا گرفته و سپس از زادگاه خویش بیرون آمده و به سیاحت پرداخته است و بنا به گفته ی خودش از مکتب روزگار تجربه های فراوان اندوخته و از معلم زمانه درس و آداب زندگی آموخته است: سالیها چون فلک به سرگشتم / تا فلک وار دیده‌ور گشتم. از جمله شهرهایی که وی در دیوانش بدانها اشاره دارد، اینهاست: بصره، بغداد، دمشق، سلطانیه، کرمان، کوفه، نجف، قم و همدان.

از چگونگی دانش‌اندوزی او اطلاعی در دست نیست. او را شاگرد اوحالدین کرمانی (وفات ۶۳۴ق) دانسته‌اند که در کرمان دست ارادت به وی داده، و تخلص خود را نیز از نام وی برگرفته است (اوحدی، بیانی، همانجا). هرچند این قول با توجه به سال مرگ اوحالدین کرمانی، بی‌پایه می‌نماید درباره مذهب اوحدی مطلبی به صراحت بیان نشده است، ولی در دیوان او اشاراتی هست که از اعتقاد وی به تشیع حکایت می‌کند. از جمله: چندین بار از امام علی (ع) (ص ۳۶، ۵۵۶، ۵۶۳، ۵۸۴، ۶۷۲)، امام حسین (ع) (ص ۴-۶)، امام رضا (ع) (ص ۴۸۹) و حضرت مهدی (ع) (ص ۴۹۳)، یاد کرده است؛ اما نفیسی (ص ۵۹-۶۰) با استناد به اشارات شاعر به خلفای راشدین و «چهار یار» و یا «یار غار» خواندن آنها (ص ۳۵۲، ۴۸۸، ۵۵۹، ۶۰۱) و نیز اشاره او به شافعی (ص ۵۷۰)، چنین استدلال می‌کند که مردم خراسان، عراق و آذربایجان در سده ۸ق، بیشتر شافعی بوده‌اند و اهل این مذهب نسبت به سایر مذاهب اهل تسنن، علاقه خاصی به اهل بیت دارند و لذا اوحدی می‌تواند شافعی باشد. آثار: سروده‌های اوحدی از همان آغاز، مورد توجه بوده، و در آثار دیگران نقل شده است (حمدالله، ۸۱۶؛ نفیسی، ۶۰-۶۱) و شمار آنها به ۱۴۰، ۷۲۹ بیت می‌رسد (همو، ۶۰).

۱. دیوان، شامل قصاید، غزلیات، ترکیبات، ترجیعات و رباعیات است (همانجا).

علیشیر نوایی این اثر را مشهور دانسته (ص ۳۲۷-۳۲۸)، و جامی آن را در

غایت لطافت و عذوبت گفته که به ویژه ترجیعاتش دارای حقایق و معارف است (ص ۶۰۴). در میان سروده‌های اوحدی به غزل‌های او عنایت بیشتری شده است؛ چنانکه در زمان خود اوحدی، برخی آنها را استقبال کرده‌اند (نفیسی، همانجا)، و یا برخی از کاتبان به لحاظ مشابهت مضامین بعضی از غزل‌ها با بهترین غزل‌های حافظ، به اشتباه افتاده، و غزل‌های اوحدی را در نسخه‌های دست‌نویس دیوان حافظ وارد ساخته‌اند (اخوان، ۱۳۷؛ بیگدلی، ۱۶۶؛ مسرور، ۱۲۰-۱۲۹).

۲. جام جم، از مثنوی‌های اوحدی است که سرودن آن را در ۷۲۳ ق/۱۲۳۳ م، پس از یک سال در تبریز به پایان برد و به نام خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله کرد (اوحدی مراغه‌ای، ۴۹۹-۵۰۰؛ نفیسی، ۵۷؛ مسرور، ۱۳۲). این مثنوی، بر وزن و اسلوب حدیقه سنایی سروده شده است (جامی، همانجا؛ اوحدی بلیانی، ۴۸) و از همان ابتدا، با اقبال مردم روبه‌رو بود و از آن نسخه‌های متعدد تهیه می‌شد (دولتشاه، ۱۵۹).

۳. منطق العشاق یا ده نامه، محبت‌نامه این مثنوی از مجموعه آثار اوست که به همین نام‌ها در سده‌های ۷-۱۰ ق سروده شده است و شامل نامه‌هایی عاشقانه بود که میان عاشق و معشوق مبادله می‌شد (برهان، ۱۴۰؛ عیوضی، ۵۲۵-۵۲۶). اوحدی این اثر را در ۷۰۶ ق/۱۳۰۶ م، به نام وجیه‌الدین یوسف بن حسن، نوه خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه به پایان رساند (اوحدی مراغه‌ای، ۴۵۵-۴۵۶؛ نفیسی، ۵۶).

از آثار اوحدی دست‌نویس‌های بسیاری باقی مانده است. این آثار دارای چاپ‌های مختلف و متنوعی است (نک: همو، ۶۵). آخرین چاپ کلیات وی به کوشش سعید نفیسی در ۱۳۴۰ ش در تهران صورت گرفت.

در مورد مثنوی جام جم می‌توان گفت جام جم، منظومه‌ای به زبان فارسی و در قالب مثنوی است. اوحدی این مثنوی را به نام ابوسعید، از آخرین ایلخانان ایران و به یاری وزیر او، غیاث‌الدین محمد، فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله سرود. وی این منظومه را

در حدود ۶۰ سالگی خود، در سال ۷۲۲ ق آغاز کرد و در سال ۷۳۳ ق به پایان برد. مثنوی جام جم در ۵ هزار بیت و به پیروی از وزن و سبک حدیقه الحقیقه سنایی سروده شده است و چنان‌که دولتشاه سمرقندی اشاره می‌کند، در اندک زمانی، با استقبال بسیاری در روزگار خود شاعر مواجه گردید (ص ۲۱۳؛ مسرور، ۱۳۳؛ صفا، ۸۴۵/۲) و این شاید از آن روی باشد که به رغم شباهت به وزن و سبک حدیقه، مثنوی جام جم از نظر بیان شیرین‌تر و روان‌تر از آن سروده شده، و از نظر مضامین، به تجلוב مردم روزگار خود و نکته‌ها و موضوعات اخلاقی، عرفانی و تربیتی مورد توجه به آنها نزدیک‌تر. و در بیان آنها موفق‌تر بوده است (همو، ۸۳۶/۳)؛ تجلیل، ۲۰۸-۲۰۹؛ ریکا، ۲۴۶-۲۴۷؛ مسرور، همانجا).

امضمون و مندرجات انسانی مثنوی جام جم اوحدی، موضوع انسان، تعلیم انسان، اخلاق انسان، آیین و مذهب انسان، مسائل صلح و عدالت و اخلاق و تربیت انسان است. اوحدی وظیفه‌ی اساسی انسان عاقل و کامل را در شناسایی و پرستش آفریدگار توانا در تحصیل علم و ادب و در انجام کارهای مفید و مثبت تشخیص داده است. شاعر انسان را گل سرسبد کائنات، مقصد آفرینش و اشرف مخلوقات می‌خواند و می‌شناسد... [اوحدی در بخشهای آغازین این منظومه آن را «نامه اولیاء»، «فتوحی از عالم بالا» و «پیامی از آسمان» می‌شمارد و از آن روی که به باور او در آن همه حقایق و دانستیهای مورد نیاز انسان برای نجات آمده و چگونگی مبدأ، معاش و معاد در آن شرح داده شده است، آن را جام جم می‌نامد (به عبارتی او را به جام جهان نما مانند نموده که هرکس هرچه خواسته باشد در آن بیابد.) (کلیات، ۱۰۶۰۷-۱۰۶۱۱، ۱۰۷۹۵-۱۰۸۱۶).

مثنوی جام جم همچون دیگر منظومه‌های مشابه، مشتمل بر مقدمه‌ای است که با ستایش خداوند و نعت رسول اکرم (ص) آغاز می‌شود و با ستایش خرد، مدح سلطان ابوسعید و وزیر او غیاث الدین محمد ادامه می‌یابد. این مثنوی همچنان‌که جام حقیقی سه دور می‌گردد، به سه دور تقسیم می‌شود که عبارتند از: در مبدأ آفرینش، در کیفیت معاش جمهور و در شرح معاد خلائق و احوال آخرت.

در دور اول این مثنوی مباحثی چون مبدأ آفرینش، ظهور موالید ثلاثه، صفت معدن، تکوین نباتات، اشجار، جانوران و انسان، حالت‌های گوناگون زندگی فرد پس از تولد، تأثیر اجرام سماوی در عالم کون و فساد، آثار علوی، خواص نفس قدسی و دلایل‌های حرکت‌ها و علامت‌های اجزاء بدن، و شرافت انسان از نظر صورت و معنی بر دیگر آفریده‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

دور دوم که به کیفیت معاش اختصاص دارد، خود مشتمل بر دو باب است: اوحدی در باب نخست که درباره معاش اهل دنیا است، ابتدا به نصیحت پادشاهان و تعریف عدل و ظلم و نیز نکوهش غرور و منع از شراب و بنگ می‌پردازد و آن‌گاه موضوعاتی چون ترتیب منزل و بنیان فن، معاملات کردن، منع اسراف، ازدواج و پرورش فرزندان، نکوهش صفات ناپسند و ترغیب به اخلاق پسندیده را مورد توجه قرار می‌دهد. در این باب سپس موضوع فتوت و فتوت‌داران دروغین کسب علم و شرف عالمان، نکوهش فقیهان ناراست و کم‌مایه، قاضیان و منصب‌قضا، و اعطای مطرح می‌شود و در آخر، ستایش راستی، گوشزد کردن حقوق خداوند و دیگران بر گردن آدمی، حضور دل و احیای نفس، و بی‌وفایی جهان و خرسندی به قضا می‌آید.

باب دوم از دور دوم تقریباً به تمامی به موضوع سلوک عرفانی و آفتهای آن اختصاص دارد. اوحدی در این باب نخست به اهمیت ترک دنیا و جست‌وجو برای یافتن پیر و مرشدی راهنما می‌پردازد و صفات چنین مرشدی را برمی‌شمرد. وی آن‌گاه به نصیحت پیران درباره دقت در خرقة دادن به مریدان و تمییز مرید شایسته از مرید ناشایست و گوشزد کردن آداب مریدی به مریدان می‌پردازد و مباحثی چون توبه، تلقین ذکر، خلوت، ترک و تجرید، فایده جوع، بی‌خوابی، گوشه‌نشینی، خاموشی و اخلاص را شرح می‌دهد و پس از آن به سرزنش صوفیان دروغین، پیران سالوس و اهل زرق و تلبیس می‌پردازد و صفات نکوهیده آنان را برمی‌شمرد. مطالعه این بخش از مثنوی جام جم، به ویژه از نظر بررسی اوضاع تصوف، سلسله‌ها و خانقاه‌ها در زمانه شاعر بسیار روشنگر است و رواج دنیازدگی، آسایش‌طلبی و دوری از اهداف معنوی را در آنها به روشنی نشان می‌دهد. یا این همه، اوحدی اشاره می‌کند که عارفان حقیقی و صوفیان صافی نیز

در روزگار او اندک نیستند. مشایخی که سالک حقیقت‌جو باید بگوشد تا آنان را بیابد، زیرا هدایت دلسوزانه ایشان انسان را در تمام مراحل سلوک دستگیری می‌کند و او را از گردنه‌های دشوار و افت‌های راه می‌رهاند (کلیات، بیت‌های ۱۳۳۰۷-۱۳۳۶۳، ۱۳۷۶۷-۱۳۸۳۷، ۱۳۹۸۹-۱۴۰۹۵). اوحدی در این باب همچنین موضوعاتی چون توکل، صبر، تسلیم، شکر و سماع و آفات آن را یک‌به‌یک توضیح می‌دهد و به ستایش اهل رضا و خرسندی می‌پردازد و آن‌گاه مرتبه عقل و جان، معنی دل و عشق را مورد توجه قرار می‌دهد و در پایان این باب به توحید و چگونگی ادراک آن می‌پردازد و این چنین، سیر سالک در مراتب کمال را به پایان می‌برد.

دور سوم مثنوی جام جم به شرح معاد خلائق و احوال آخرت اختصاص دارد و در آن به مباحثی چون سبب مرگ طبیعی، معاد و مجرد کلی، عروج روح به عالم اصلی، علومی که با نفس همراه می‌شوند، بهشت و مراتب آن، و معارج ارواح و ابدان و چگونگی عذاب آنان پرداخته می‌شود. این مثنوی با مدح خواجه غیاث الدین محمد وزیر و شرح تاریخ سرایش منظومه پایان می‌یابد.

چنان‌که بیشتر محققان اشاره کرده‌اند، منظومه جام جم افزون بر ارزش ادبی آن، از نظر بررسی اوضاع اجتماعی در سده ۸ ق/ ۱۴ م، روحیات و اخلاق مردم و کیفیت تعامل آنان با حاکمان و دیگر منصب‌داران و به ویژه از نظر شناخت احوال اهل تصوف در آن روزگار، حلقه‌های صوفیه، خانقاه‌ها و افت‌هایی که به آنها دچار بوده‌اند، دارای اهمیت بسیار است و از این نظر، همچون آینه‌ای است که اوضاع زمانه خود را به درستی و راستی باز می‌تاباند (صفا، ۱۳/۹۴-۹۵، ۳/۸۳۶/۲)؛ زرین‌کوب، ۳۲۹-۳۳۰؛ تجلیل، ۲۰۸، ریپکا، ۲۴۷). از سوی دیگر، این منظومه همچنین نشان‌دهنده دیدگاه‌ها و اندیشه‌های شاعر در زمینه‌های گوناگون نیز هست که اغلب با روانی، بی‌پیرایگی و صداقتی محسوس بیان شده‌اند و میزان هوشمندی شاعر، بهره‌مندی او از دانش‌های مختلف، و پرورش معنوی او را می‌نمایانند.

منظومه جام جم نخستین بار به کوشش وحید دستگردی در ۱۳۰۷ ش، به صورت ضمیمه سال هشتم مجله ارمنان منتشر شد و پس از آن، در مجموعه کلیات اوحدی

مراغه‌ای، نخست در ۱۳۴۰ش به کوشش سعید نفیسی و پس از آن توسط دیگران به چاپ رسید. [این اثر بی همتا برای تعلیم و تربیت انسان، برای راهنمایی وی بسوی مبدأ و آفریدگار یگانه برای تزکیه روح و نفس و برای آماده کردن یک انسان کامل حایز اهمیت فراوانی است.] (برگرفته از: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی جلد ۱۰ مقاله ۴۱۰۰ و جلد ۱۷ مقاله ۶۳۶۹).

فرهاد نوع پرست

مدیر نشر آماره

تهران، ۱۳۹۰ ش

www.ketab.ir

فهرست اشعار مثنوی جام جم

صفحه	عنوان
۱۹	سر آغاز
۲۱	مناجات
۲۴	در آداب التماس
۲۵	در نعت رسول
۲۶	ضراعت در صورت قسم
۲۷	در ستایش خرد
۲۸	در تسبیح فلک
۳۰	در ستایش سلطان ابو سعید
۳۱	تمامی این ستایش بر سبیل اشتراک
۳۲	در ستایش خواجه غیاث الدین
۳۴	در صفت سرای معمور
۳۵	در صفت مسجد
۳۶	در صفت خانقاه و مدرسه
۳۷	در حسب حال خود گوید
۳۹	در تخلص به اسم خواجه غیاث الدین
۴۱	در طامات
۴۲	در غزل
۴۴	سوال از حقیقت کاینات
۴۶	در صفت علم
۴۸	در مضمون این کتاب
۴۹	در قسمت کتاب

- ۵۰ دور اول در مبدا آفرینش
- ۵۲ در ترتیب ظهور موالید ثلاثه اول در صفت معدن
- ۵۳ در تکوین نباتات و اشجار
- ۵۴ در ظهور حیوان
- ۵۵ در وجود نوع انسان
- ۵۷ در جلوات حال شخص بعد از ولادت
- ۵۹ صفت تاثیر اجرام سماوی در عالم کون و فساد
- ۶۰ در آثار علوی
- ۶۱ در خواص نفس قدسی و دلایل حرکات و علامات اجزای بدن
- ۶۳ در شرف بنیت انسان به صورت و معنی بر دیگر مخلوقات
- ۶۷ ذبابه این فصل در سری چند مرموز
- ۷۰ دوم در کیفیت معاش جمهور و در آن چند بند سخنست اول در معاش اهل دنیا
- ۷۱ در نصیحت ملوک به عدل
- ۷۳ حکایت
- ۷۵ در باب ظلمه و ظلم
- ۷۷ در ملازمت پادشاه و شرایط بندگی
- ۷۹ در منع تبختر و طیش
- ۸۱ در منع شراب و بنک و مستی
- ۸۲ در آداب می خوردن
- ۸۴ در ترتیب منزل و اساس آن
- ۸۵ در شرایط عمارت کردن
- ۸۶ در منع اسراف
- ۸۸ در تناکح و توالد
- ۹۱ در حالات زنان بد
- ۹۳ حکایت
- ۹۳ در نصیحت زنان بد

۹۵	حکایت
۹۶	در تحریص بر کم راندن شهوت و احتیاط در توالد و تناسل
۹۷	در تربیت اولاد
۹۸	حکایت
۹۹	در تاثیر پرورش و وخامت عاقبت خود رویی
۱۰۱	در شفقت بر زیر دستان
۱۰۲	حکایت
۱۰۴	در مذمت بخل و بخیالی
۱۰۵	در بیرونقی شعر و کساد آن
۱۰۶	در شرایط دوستی و وفا
۱۰۷	حکایت
۱۰۸	در صفت فتوت و مردی
۱۱۰	در فتوت داران به دروغ
۱۱۲	حکایت
۱۱۲	در تحریص بر محافظت فرزندان از شر ناپاکان
۱۱۴	در حال پیشه کاران راست کردار
۱۱۶	در کسب علم و شرف علما
۱۱۷	حکایت
۱۱۷	در صفت طلب علم
۱۱۸	در نگویش فقهای دین
۱۲۰	در حال قضاء و قضا
۱۲۱	حکایت
۱۲۲	در آداب وعظ
۱۲۴	در راستی
۱۲۶	در حکمت
۱۲۷	در سپاس حقوقی چند واجب
۱۲۹	در سفر و فواید آن

- ۱۳۲ در حضور دل و احیای نفس
- ۱۳۳ سخنی چند بر سیل موعظه
- ۱۳۵ در بیوفایی جهان و خرسندی بحکم قضا
- ۱۳۸ باب دوم در معاش و احوال آخرت و در آن چند سخنست اول در جد و جهد و توجه اصلی
- ۱۳۹ حکایت
- ۱۴۰ در طلب مرشد
- ۱۴۲ در صفت شیخ مرشد
- ۱۴۳ در باب توبه
- ۱۴۶ در خرقه دادن
- ۱۴۸ حکایت
- ۱۴۸ در تلقین ذکر
- ۱۴۹ در سر کلمه شهادت
- ۱۵۰ در معنی خلوت
- ۱۵۲ در آداب مریدی
- ۱۵۳ حکایت
- ۱۵۴ در ترک و تجرید
- ۱۵۶ در فایده جنوع
- ۱۵۸ در فضیلت بی‌خوابی
- ۱۵۹ در خاصیت گوشه گرفتن
- ۱۶۰ در صفت خاموشی
- ۱۶۰ در زهد
- ۱۶۱ در اخلاص
- ۱۶۳ در صفت زرق و ربا و ارباب آن
- ۱۶۵ در توکل
- ۱۶۶ در صبر و تسلیم
- ۱۶۸ در ستایش اهل رضا و خرسندی

۱۶۹	در خطر مخلصان و نازکی آداب عبودیت و وقت آزمایش‌هاحق سبحانه
۱۷۰	مثال
۱۷۲	در شکر
۱۷۳	در مرتبه عقل و جان
۱۷۵	در معنی دل
۱۷۶	در تحقیق دل و نفس به مذهب اهل سلوک
۱۷۸	در عشق
۱۸۰	در معنی سماع
۱۸۳	در صفت عارف و عرفان
۱۸۶	در توحید
۱۸۸	در تحقیق زیارت قبور
۱۸۹	در تصدیق کرامات اولیا
۱۹۰	در حقیقت اجابت دعا
۱۹۲	در صفت ارشاد پیر
۱۹۳	در شرح حال اهل زرق و تلبیس
۱۹۸	در منع تقلید
۲۰۱	دور سوم در شرح معاد خلایق و احوال آخرت
۲۰۴	در سبب مرگ طبیعی
۲۰۵	در ذکر معاد و تجرد کلی
۲۰۹	در تدبیر این سفر
۲۱۱	در خروج روح به عالم اصلی
۲۱۲	حکایت
۲۱۴	در تحقیق وصول عرفی
۲۱۵	در بیان علوم‌ی که همراه نفس شوند
۲۱۷	در صفت بهشت و مراتب آن
۲۲۰	حکایت
۲۲۱	در معارج ارواح و ابدان و عذاب ایشان

۲۲۳

خطاب به خواجه غیاث‌الدین محمد

۲۲۵

در معذرت و فروتنی خود و تاریخ کتاب

۲۲۶

در اعتقاد خود گوید

۲۲۷

دعا و ختم کتاب

www.ketab.ir